

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسکات ریتر *

فرستنده: عثمان حیدری

۰۹ جنوری ۲۰۲۰



افسر اطلاعاتی امریکا، صلحدوست تر از «چپ» های سبز



*- اسکات ریتر، افسر اطلاعاتی سابق امریکا است. او در اتحاد شوروی به عنوان بازرس اجرای پیمان منع راکت‌های اتمی میانبرد خدمت کرد، در جنگ خلیج [فارس] در ستاد فرماندهی جنرال شوارتسکف عضویت داشت، و از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ بازرس تسلیحاتی ملل متحد بود. مقایسه نوشتار زیر با آنچه که تاکنون در سایت‌هایی مانند «اخبار روز»، «نامه مردم»، «توده‌ای‌ها»، «نوید نو»، «صدای مردم» و امثال آن‌ها، درباره ترور سردار قاسم سلیمانی منتشر شده، نشان می‌دهد که این افسر اطلاعاتی سابق امریکا در زمینه شناخت مسائل ژئوپلیتیک جهان و منطقه خاورمیانه، بسیار فهمیده‌تر، واقع‌بین‌تر، و نهایتاً صلحدوست‌تر از «چپ» های سبز است.

ایالات متحده ناخواسته به خلق قاسم سلیمانی کمک کرد، سپس او را به قتل رساند!

ایالات متحده برای پی‌آمدهای ترور قاسم سلیمانی آماده نیست، زیرا هیچ‌چیز درباره واقعیت مردی که به قتل رساند نمی‌داند، و نمی‌تواند تأثیر مرگ او را بر ایران و خاورمیانه بسنجد.

قاسم سلیمانی، یک فرمانده نظامی ایران که سازمان شبه‌نظامی او موسوم به «نیروی قدس» به تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای مدرن کمک کرد، در ۳ جنوری ۲۰۲۰ به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده ترور شد. رهبران سیاسی آمریکا از دو حزب در توصیف سلیمانی به مثابه مرد شریری که مرگ او را باید جشن گرفت، حتا در حالی که پی‌آمدهای مرگ او هنوز نامشخص است، متحد بوده اند.

اما، شادی از مرگ سلیمانی زائیده جهالت درباره رویدادها و اقداماتی است که به کارهایی که او هدایت می‌کرد شکل داد و جهانی را که او در آن عمل می‌کرد، تعریف نمود.

در حالی که ایالات متحده سلیمانی را به مثابه نتیجه فرعی نیت بدخواهانه ایران در خاورمیانه ترسیم می‌نماید، واقعیت بسیار نیرومندتر است: سلیمانی نتیجه مستقیم سیاست‌های تجاوزکارانه عاری از مسؤولیت پذیری آمریکا است. در جهانی که با روابط علت-معلول تعریف می‌شود، پیوند بین سلیمانی و ایالات متحده غیرقابل انکار است.

قهرمان ساختن از یک دشمن

سلیمانی در طی انقلاب ایران و هشت سال جنگ با عراق، برجسته شد و توجه رهبران ارشد ایران، از جمله رئیس‌جمهور وقت علی خامنه‌ای را به رهبری، شهادت و قاطعیت خود جلب نمود. در آن زمان، سلیمانی مهارت‌هایی را به دست آورد که بعداً به او به مثابه رهبر نیروی قدس، سازمان شبه‌نظامی که پس از جنگ ایران-عراق تشکیل شد، بسیار کمک کرد.

نیروی قدس برای گسترش نفوذ ایران به وسیله ابزار غیرعلنی تشکیل شد. سلیمانی و نیروی قدس برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸، پس از آن‌که طالبان در پی تصرف شهر مزار شریف صدها شیعه افغانستان و ۹ ایرانی (هشت دیپلمات و یک روزنامه‌نگار را به قتل رساند) توجه را به خود جلب کردند.

در حالی که رهبری نظامی ارشد ایران هوادار یک لشگرکشی تنبیهی عظیم به غرب افغانستان بود، سلیمانی یک پاسخ خویش‌دارانه‌تر را از طریق ارائه آموزش و تجهیزات به ائتلاف شمال که گروه‌های فراگیر از مخالفان طالبان بود، توصیه نمود. سلیمانی شخصاً این تلاش را هدایت نمود و ائتلاف شمال را به نیروی جنگنده کارآمد تبدیل ساخت.

پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتمبر، ایالات متحده از ائتلاف شمال برای ایجاد جای پا در افغانستان و نهایتاً خلع قدرت از طالبان استفاده کرد. سلیمانی در پشت صحنه، از جمله از طریق پشتیبانی عملیاتی و اطلاعاتی، نقش مهمی در کمک به رشد مشارکت ایالات متحده-ائتلاف شمال، ایفاء نمود.

عمر همکاری ایالات متحده-ایران کوتاه بود؛ رئیس‌جمهور بوش با تعیین ایران به مثابه بخشی از «محور شیطانی» موجب متوقف شدن همکاری ایران با امریکایی‌ها شد.

آموزش شورشیان ضد امریکایی عراق

حملة ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت دیگری برای همکاری ایران-آمریکا به وجود آورد، که ایالات متحده فوراً آن را از دست داد. در حالی که ایران تمایلی به افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه نداشت، در برکناری دشمن اصلی خود، صدام حسین از قدرت، با ایالات متحده اتفاق نظر داشت.

اما، ایالات متحده برای روبه‌رو شدن با واقعیت عراق پس‌اصدام، به ویژه در جایی‌که اکثریت شیعه جمعیت آن یک نقش اصلی در تعیین چگونگی حکمرانی در عراق را طلب می‌نمود، آماده نبود. زمانی‌که ایالات متحده برگرداندن تفنگ‌ها به سوی نیروهای شیعه را آغاز کرد، سلیمانی و نیروی قدس او رهبری سازماندهی مقاومت ضد امریکائی در عراق را به دست گرفت، که به برخوردهای خشونت بار فزاینده‌ای با تلفات چشم‌گیر امریکائی منتهی شد. امروز، سربازان جنگ ایالات متحده در عراق، شخص سلیمانی را مسؤول مرگ صدها سرباز امریکائی می‌دانند که به وسیلهٔ میلیشیا‌های عراقی که از سوی نیروی قدس سلیمانی آموزش دیده و تجهیز شده بودند، کشته شدند.

مغز متفکر نقشهٔ سلطهٔ منطقه‌ای ایران

سلیمانی در خلاء ظهور نکرد، بلکه تجلی پاسخ منطقی ایران به تهدیدات خارجی بود که به وسیلهٔ اقدامات دیگران، به وجود آمده بود. نقش ایران در لبنان به وسیلهٔ تصمیم اسرائیل برای حمله و اشغال جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ تعریف شد؛ در پی آن ایجاد جنبش حزب‌الله لبنان رخ داد.

همین‌طور، مداخلهٔ ایران در سوریه در پی مداخلهٔ عظیم قدرت‌های خارجی، از جمله ایالات متحده، ترکیه و عربستان سعودی، برای به وجود آوردن یک مقاومت برای برکنار کردن بشار الاسد رئیس‌جمهور سوریه از قدرت، رخ داد. اقدامات سلیمانی در هدایت نیروی قدس در سازماندهی میلیشیا‌ی شیعهٔ هوادار اسد در سوریه به طور ساده واکنش به این مداخلهٔ خارجی در امور داخلی سوریه بود.

همین‌طور، زمانی‌که «دولت اسلامی» در سال ۲۰۱۴ در صحنه ظاهر شد، این سلیمانی بود که به دعوت دولت عراق، به سازماندهی و تجهیز میلیشیا‌های گوناگون شیعه زیر چتر «نیروی بسیج خلقی» کمک کرد. سلیمانی پیش از آن‌که ایالات متحده در جنگ درگیر شود، «نیروی بسیج خلقی» را در یکسری نبردهای خونین که امواج را علیه «دولت اسلامی» چرخاند، هدایت نمود. پس از ۱۱ سپتمبر، سلیمانی نقش مهمی در شکل دادن به خاورمیانه، و تبدیل ایران، اگر نه به قدرت اصلی، بلکه به یک قدرت بزرگ در منطقه، ایفاء نمود.

اقدامات سلیمانی در تحقق بخشیدن به این نتیجه، بخشی از نقشهٔ بزرگ ایران برای سلطهٔ منطقه‌ای نبود، بلکه بخش لاینفکی از توانایی ایران به نشان دادن واکنش مؤثر به اشتباهاتی بود که ایالات متحده و متحدین آن در اجرای سیاست‌های تجاوزکارانه در منطقه مرتکب شدند.

پس از خروج ایالات متحده از توافق اتمی ایران در سال ۲۰۱۸، و در پی آن به اجراء نهادن به اصطلاح کارزار «فشار حداکثری» تحریم‌های اقتصادی و مهار ژئوپلیتیک صورت گرفته به وسیلهٔ ایالات متحده، سلیمانی به رئیس‌جمهور ترمپ نسبت به پا نهادن در مسیر درگیری هشدار داد.

سلیمانی در یک سخنرانی که در تابستان ۲۰۱۸ ایراد نمود گفت: «شما از قدرت و توانایی‌های ما در منطقه مطلع هستید. شما می‌دانید ما در جنگ نامتقارن چقدر قدرتمند هستیم.»

اظهارات سلیمانی پیامبرانه بود؛ پس از آن‌که ایالات متحده فروش نفت ایران را مسدود نمود، نیروی قدس سلیمانی یکسری حملات غیرقابل انکار را به نفتکش‌ها در تنگه هرمز هدایت نمود و از حوثی‌ها در یمن برای حملهٔ ویرانگر پهپادی علیه تأسیسات ستراتیژیک تولید نفت عربستان سعودی استفاده کرد.

سلیمانی آگاه از آسیب‌پذیری موضع ایالات متحده در عراق، برای پایان دادن به حضور نظامی ایالات متحده در عراق، فشار آوردن به دولت عراق را آغاز کرد. این فعالیت‌ها حتا پیش از آن‌که ایالات متحده یکشنبه گذشته «نیروهای میلیشیا‌ی خلقی عراق» را بمباران کند، و موجب رویدادهایی شود که به ترور سلیمانی ختم شد، در جریان بود.

آیا مرگ او جهان را امن‌تر می‌سازد؟

واقعیت این است که جهانی که سلیمانی در آن مرده است— به فرمان رئیس‌جمهور امریکا به قتل رسیده است— تنها چیزی است که برای ایالات متحده خطرناک‌تر از جهانی است که سلیمانی در آن زندگی می‌کرد. سلیمانی زنده، با اعتباری که داشت می‌توانست صبوری و احتیاط را به رهبری ایران توصیه و بر اعضای رادیکال‌تر دستگاه دفاعی ایران برای در پیش گرفتن یک موضع کنشگرانه‌تر در مقابله با سیاست‌های امریکائی، سعودی، اسرائیلی در منطقه، فشار وارد نماید. سلیمانی به قتل رسیده، به یک شهید قهرمان مبدل شد که از آن برای تهییج آن‌هائی به‌رمبرداری خواهد شد که می‌خواهند بدون خویشتن‌داری و خردی که زائیده تجربه بود، راه او را علیه دشمن امریکائی ادامه بدهند. ترور عجلانه قاسم سلیمانی به وسیله ترمپ، خاورمیانه و جهان را برای زندگی و کار، نه فقط امن نمی‌کند، بلکه نسل دیگری را به تحمل پی‌آمدهای تراژیک از حد خود فراتر رفتن ایالات متحده در عصر پس‌ایزده سپتمبر محکوم می‌نماید.

منبع: روسیه امروز

تارنگاشت عدالت